یادداشت روز

آرزوی ناکام اسرائیل و سلاح آخرالزّمانی ایران

۱) در شرافت و سربلندی جمهوری اسلامی ایران همین بس، که دشمنانش نتانیاهو و ترامپ هستند. اولی، به خاطر قتل عام بیش از ۷۰ هزار فلسطینی و آواره کردن دو میلیون نفر، تحت تعقیب محاکم بین‌المللی است. و دومی -که از جزیره فحشای آپستین، گروگان صهیونیست‌هاست- به هیچ یک از هنجارهای بشری و بین‌المللی پایبند نیست. ترامپ، همچنان که گفت «نفت ونزوئلا مال آمریکاست»، کانادا و گرینلند و پاناما و مکزیک را هم مال آمریکا می‌داند. او خود را در آمریکا دیکتاتور می‌خواند و دستور سرکوب معترضان را می‌دهد و ضمنا نگران حقوق بشر در مناطق دیگر است. چند ماه قبل که میلیون‌ها معترض آمریکایی در صدها شهر شعار دادند «شاه نمی‌خواهیم»، او انیمیشنی را منتشر کرد که معترضان را با جنگنده مدفوع باران می‌کرد! بیخود نیست که در میان همه اپوزیسیون درب و داغان جمهوری اسلامی، از روان‌پریشی کودک‌صفت حمایت کرد؛ کسی که پدرش از دست ملت ایران گریخت و آمریکایی‌ها با وجود ۳۷ سال بیگاری کشیدن از وی در غارت ایران، حاضر نشدند پناهش دهند و فقط مدت کوتاهی اجازه یافت در تیمارستانی روانی در آمریکا بستری شود و سپس در به در شد تا در مصر مُرد.

۲) راجر واترز تحلیلگر آمریکایی اخیرا در گفت‌وگو با پیرس مورگان، درباره اغتشاشات در ایران گفت: «بیشتر مردم ایران با دخالت خارجی مخالفند. آنچه در جریان است، همان چیزی است که ژنرال وسلی کلارک از آن پرده برداشته بود؛ برنامه آمریکا برای زمین زدن ۷ کشور و تسلط بیشتر بر دنیا. امروز ایران در مقابل آمریکا ایستاده است». این سخنان، یادآور گفت‌وگوی سال ۱۳۹۸ «رئول مارک گرشت» با نشریه «فارین پالیسی» است. خبرنگار، از این افسر سابق سیا پرسیده بود «رهبر ایران، چگونه ترامپ را شکست داد؟» و گرشت، با وجود عقده‌گشایی، پاسخ داده بود: «می‌توانم بر مبنای مستندات آماری بگویم که رهبر ایران، قطعا برتر از ترامپ و در نقطه مخالف او قرار دارد». او در ادامه، از «۳۰ سال رهبری هوشمندانه» آیت الله خامنه‌ای یاد کرده و افزوده بود: «بدون شک، او قهرمانی جدی و موفق‌ترین رهبر خاورمیانه از جنگ جهانی دوم به این طرف است. او فوق‌العاده باهوش است و از مهارت‌های ممتاز و استعداد های عالی برخوردار است».

۳) مقاومت درغرب آسیا، سه سال پس از جنگ‌های زنجیره‌ای، همچنان سد راه مطامع اسرائیل و آمریکاست. دولت‌های بایدن و ترامپ، به قیمت بدنام کردن آمریکا، پشتیبانی گسترده‌ای برای نجات نتانیاهو کردند؛ کسی که هم تحت پیگرد محاکم بین‌المللی و هم دادگاه رژیم صهیونیستی است. اما با وجود همه این جنایات، مقاومت منطقه سر جای خود است. این حقیقت را در ادامه، بیشتر تبیین می‌کنیم.

۴) ایران، خار چشم اسرائیل و آمریکاست؛ چون قدرتمند و پویا و الهام‌بخش است. همین فتنه ترکیبی اخیر را ببینید که هر چند مزدوران سیا و موساد و MI۶، چند هزار نفر از مردم ایران را وحشیانه به شهادت رساندند، اما همین ملت بزرگ نه تنها به دشمن کوچه نداد، بلکه در مقیاس ده‌ها میلیونی به خیابان‌ها آمد، و آرزوهای بانیان فتنه را زیر پا گذاشت. حماسه ۲۲ دی ماه، و دریای جوشان جمعیتی که در خیابان‌ها موج برداشت، دشمن شرور را برای دومین بار، ناکام گذاشت تا روزنامه «اسرائیل هیوم» بنویسد: «تحلیلگران خاورمیانه گفته‌اند که بسیج دقیقاً برای وضعیت امروز ایجاد شده است. آیت‌الله خمینی به عنوان پدر بسیج، این گروه شبه نظامی را پس از انقلاب ۱۹۷۹ تأسیس کرد که به سلاح آخرالزمانی او تبدیل شده است».

۵) اما بسیجگری انقلاب اسلامی، فراتر از نگاه محدود روزنامه صهیونیستی است. بخش دیگری از واقعیت را باید لابه‌لای تحلیل «مایکل بن آری» (خاخام و سیاستمدار صهیونیست/ عضو سابق کنست) خواند: «انقلاب خمینیستی، تبدیل به یک مدل شد. ایرانی ها موفق شدند. ایران، مصر و لیبی و رومانی نیست. بر اساس ذهنیت اسلامی و اسلام شیعی، آنها از زمان واقعه کربلا، دوره‌های بسیار محدودی حاکمیت داشته‌اند که دوران طلایی را تجربه کرده باشند. آنچه در انقلاب خمینیستی رخ داد، بشارتی عظیم و تاریخی بود. آنها موفق شدند جمهوری اسلامی تاسیس کنند که تبدیل به مدل شد و دومینویی در کل جهان اسلام ایجاد کرد. حزب الله محصول همان انقلاب بود؛ همچنین، حماس. چه چیزی نیروی اصلی را به آنها داد؟ انقلاب خمینیستی. آنها الگوی موفق بودند. اکنون هم کسانی که در ایران می‌جنگند، رژیمی که می‌جنگد، برای اسلام می‌جنگند، برای علی [علیه‌السلام] می‌جنگند. ذهنیتی که درکش برای ما بسیار دشوار است. فرد پایبند و مؤمن که احساس می‌کند باید همه چیزش را بدهد تا از آن دستاورد عظیم اسلامی که پس از ۱۴۰۰ سال رخ داده، محافظت کند. صادقانه باید گفت ایران توانسته در نظام ارزشی و در دل‌های بسیاری از مردم خود، همان دیدگاه [آیت‌الله] خامنه‌ای را نهادینه کند.»

۶) چند ماه تدارک شبکه رسانه‌ای تحت نظر سیا، موساد و MI۶ برای آشوب‌افکنی، تحریک علنی مقامات صهیونیست و آمریکایی به اقدامات جنایتکارانه، شعارها و اقدامات اغتشاشگران، و فهرست جنایات و خساراتی که بر جا گذاشتند، تردیدی باقی نمی‌گذارد که در ماجرای اخیر، نه با اعتراض مشروع اقتصادی، بلکه فاز دیگری از جنگ مغلوبه ۱۲ روزه مواجه بودیم. «دو هفته تعطیلی تحمیلی کسب و کارها و ده‌ها هزار میلیارد تومان خسارت به اصناف و بازاریان؛ تخریب و آتش زدن مغازه‌ها و فروشگاه‌ها و بانک‌ها (فقط ۵۰۰ مغازه در بازار رشت)؛ تحمیل تورم جدید به تولیدکننده و مصرف‌کننده؛ آتش زدن هزاران اتوبوس و خودروی آتش‌نشانی و آمبولانس و خودروهای مردم؛ به آتش کشیدن و تخریب صدها خانه مسکونی؛ آسیب به فعالیت مدارس و دانشگاه‌ها؛ تخریب صدها اداره و ساختمان عمومی که مردم، به خدمات روزانه آنها نیاز دارند»، به علاوه شهادت ۲۴۲۷ نفر، تنها گوشه‌ای از خساراتی است که شبکه مزدوران وطن فروش، روی دست کشور گذاشتند

۷) ماجرای اغتشاش و آشوب، اقدام بازاریان نبود. البته که اغلب بازاریان، از شرایط اقتصادی راضی نیستند. تورم و رکود، همچنان که مصرف‌کنندگان را آزار می‌دهد، به تولید کنندگان و کسبه هم آسیب می‌زند و مدیران اقتصادی باید وقت بگذارند، گلایه‌ها را بشنوند و چاره‌اندیشی کنند. اما اکثریت قاطع بازاریان با وجود اعتراض مشروع، با اغتشاشگرانی که پیک شوم ناامنی و تعطیلی بودند، همراهی نکردند. برخی از آنها در مقاطعی در اثر اقدامات شرارت‌آمیز شبکه اغتشاش، مجبور شدند برای ساعاتی، کرکره مغازه را پایین نگه دارند تا خسارت نبینند. آنچه در پوشش اعتراض کلید خورد، یک پروژه ضدایرانی بود و از همان ابتدا تقریبا هیچ خبری از مطالبات اقتصادی نبود. تامل در شعارهایی مثل «نه غزه، نه لبنان»، «موشک‌ها را رها کن» و امسال، سال خونه» و... ماهیت این عملیات مهندسی شده را نشان می‌داد. در کشوری که ۶ ماه قبل دستخوش حمله‌ای جنایتکارانه شده و با قدرت موشک‌هایش توانسته بود دشمن را به عقب براند، کدام ایرانی شرافتمندی حاضر می‌شود شعار «موشک‌ها را رها کن» بدهد؟! این در واقع، ناله اسرائیل و آمریکای بود که از حلقوم اغتشاشگران (جنگ نیابتی) شنیده می‌شد. اغتشاش، همان روزی کلید خورد که نتانیاهو عازم دیدار با ترامپ بود، تا شاید بتواند او را بیشتر تحمیق کند.

۸) اِرعاب بازاریان از همان روز اول برای تعطیلی کسب و کار، دم خروس را نمایان کرد. اگر اعتراض و اعتصاب، ماهیتی ارادی و آزادانه داشت، نباید از کانال‌های بدنام تلگرامی و اینستاگرامی (مرتبط با سرویس‌های بیگانه و گروهک‌های بدسابقه) کلید زده می‌شد، و شرارت و تهدید را چاشنی کار می‌کرد. اما از همان روز نخست، تهدید و شکستن شیشه‌ها و مجبور کردن کسبه به تعطیلی، در دستور کار اغتشاشگران قرار داشت. نکته قابل تامل اینکه وقتی فاز تعطیلی بازار شکست خورد و شبکه اغتشاش به سایر مناطق (و از روز به شب) منتقل شد، ماجرای دروغین «اعتراض بازار» هم گم شد؛ به نحوی که از روز سوم- چهارم، بازاریان با احساس امنیت به خاطر حضور نیروی حافظ امنیت، بلافاصله کسب و کار را دایر کردند. این در حالی است که اگر اعتراض متعلق به آنها بود و اعتصاب کرده بودند (!) باید در ده روز بعدی، مغازه‌ها بسته می‌ماند. اکثریت قاطع بازاریان و اصناف، به پایوران دشمن کوچه ندادند و همین موجب شد نقابدارانی که پشت ماسک «معترض» پنهان شده بودند، ناامید از بازار و اقدام مؤثر در روز، ادامه پروژه را به شب و خیابان‌های پرترافیک منتقل کنند و نهایتا به اقدامات تروریستی (به سبک منافقین، داعش، کومله، جیش‌الظلم، و...) متوسل شوند. آتش زدن ۵۰۰ مغازه فقط در بازار رشت، نشانه نهایت درماندگی مزدوران وطن‌فروشی بود که در روز نخست وانمود می‌کردند غمخوار معیشت بازاریان هستند!

بقیه در صفحه ۷

موشک‌های «اسرائیل‌زن» ایران از نگاه تحلیلگر صهیونیست

یک کارشناس نظامی اسرائیلی در گزارشی مفصل، به بررسی توان موشکی بالستیک ایران و قابلیت‌های رزمی آن پرداخته است.

بر اساس گزارش جدید منتشرشده توسط کارشناس نظامی «کلکالیست» اسرائیل، ایران پنج خانواده اصلی موشک بالستیک را توسعه داده که هرکدام نقش متمایزی در دکترین نظامی این کشور ایفا می‌کنند. این گزارش فنی- امنیتی، نقاط قوت، ضعف‌ها و پیامدهای راهبردی این زرادخانه را بررسی کرده است.

خانواده شهاب؛ پایه قدیمی با قابلیت اشباع

به ادعای این رسانه، قدیمی‌ترین و پرتعدادترین بخش زرادخانه موشکی ایران متعلق به خانواده «شهاب» است که ریشه آن به دوران جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و مهندسی معکوس موشک‌های اسکاد بازمی‌گردد.

مشخصه اصلی این خانواده، استفاده از موتور سوخت مایع عنوان شده که نیاز به فرآیند زمان‌بر سوخت‌گیری پیش از پرتاب دارد. این تاخیر، امکان شناسایی و هدف‌گیری پیش‌دستانه پرتابگرها را برای دشمن فراهم می‌کند. این خانواده شامل مدل‌هایی از شهاب-۳ تا نمونه‌هایی مانند «عماد» و «قدر-۱۱۰» می‌شود.

این گزارش تاکید دارد این موشک‌ها نسبت به سایر موشک‌های ایران دقت عملیاتی محدودی دارند و احتمالاً تهران از آنها برای ایجاد حجم آتش بالا و تحت فشار قرار دادن سامانه‌های دفاع موشکی دشمن استفاده خواهد کرد. خانواده شهاب قدیمی‌ترین و پرتعدادترین بخش زرادخانه موشکی ایران را تشکیل می‌دهند.

خانواده فاتح: قلب پیشرفته موشکی ایران

در مقابل، خانواده «فاتح» به عنوان پیشرفته‌ترین بخش توان موشکی ایران معرفی شده است. به گفته این کارشناس صهیونیست، خانواده فاتح نگران‌کننده‌ترین بخش زرادخانه موشکی ایران محسوب می‌شود.

نقطه تمایز کلیدی این خانواده، استفاده از موتور سوخت جامد است که امکان آماده‌سازی و شلیک سریع را بدون مراحل طولانی سوخت‌گیری فراهم می‌کند و عاملی برای افزایش غافلگیری است. تنوع در این خانواده چشمگیر توصیف شده است: از موشک‌های ضدکشتی «خلیج فارس» و نمونه‌های کوتاه‌برد تا مدل «فاتح مبین» با هدایت فروسرخ.

خطر اصلی: موشک‌های مانورپذیر

با این وجود، به ادعای این گزارش، خطر اصلی در چند مدل خاص متمرکز است: موشک «خیبرشکن» با سرعت بالا، «حاج قاسم» موشکی دو مرحله‌ای و مهم‌ترین آن موشک هایپرسونیک «فتاح.» این مدل‌های پیشرفته مجهز به کلاهک‌های مانوردهنده هستند که در مرحله نفوذ به جو، قادر به انجام مانورهای پیش‌بینی‌ناپذیر و اصلاح مسیرند و چالشی عمده برای سامانه‌های دفاع موشکی محسوب می‌شوند. گزارش خاطرنشان می‌سازد تولید این موتورهای سوخت جامد پیشرفته، پیچیده است و ممکن است تعداد عملیاتی این موشک‌ها محدود باشد.

موشک‌های ویژه برای مأموریت‌های خاص

این گزارش به دو خانواده دیگر برای مأموریت‌های خاص نیز اشاره می‌کند: خانواده خرمشهر که برای حمل کلاهک‌های فوق‌سنگین یا کلاهک‌های چندگانه طراحی شده‌اند. مهم‌ترین مدل خرمشهر-۴ با برد ۲۰۰۰ کیلومتر است که می‌تواند تخریب گسترده‌ای ایجاد کند.

خانواده سجیل نیز به عنوان یک طراحی بومی، دوربردترین موشک ایران با برد بیش از ۲۵۰۰ کیلومتر معرفی شده است. نقطه مشترک این موشک‌های بزرگ، سوخت مایع بودن آنها با پرتابگرهای بزرگ و غیرقابل استتار ذکر شده است.

به ادعای این کارشناس صهیونیست ایران رویکردی دوگانه را دنبال می‌کند: حفظ ذخیره بزرگی از موشک‌های قدیمی و کم‌دقت (مانند شهاب) برای اشباع و فرسایش پدافندی دشمن، و توسعه تعداد محدودتری از موشک‌های پیشرفته، سریع و مانورپذیر (مانند برخی مدل‌های فاتح) برای شلیک ضربتی و دقیق علیه اهداف با ارزش بالا. به ادعای این تحلیل، این ترکیب، پیچیدگی قابل توجهی برای هر سناریوی دفاعی ایجاد می‌کند.

به گزارش فارس، او در پایان می‌افزاید:« اینها پنج خانواده از موشک‌های بالستیک ایرانی هستند که به اسرائیل می‌رسند. مهم است به یاد داشته باشید که تمام قابلیت‌هایی که در اینجا گفته شد، نظری هستند. صنعت تسلیحات ایران مجبور شده است بعد از آسیب‌های جنگ ۱۲ روزه تغییراتی را در سیستم موشکی خود اعمال کند. این امر موجب شد تا از ماه سپتامبر شاهد آزمایش‌های موشکی زیادی در ایران باشیم. خلاقیت مهندسان ایرانی سال‌هاست که شگفتی‌ساز بوده است. آنها موفق به مهندسی معکوس سامانه‌های پیچیده شده‌اند. بنابراین، نباید دامنه این تهدید را دست‌کم گرفت؛ حتی یک موشک قدیمی نیز می‌تواند به هدف خود برسد.»

عیادت فرمانده کل سپاه از مجروحان حوادث تروریستی اخیر

فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از مجروحان حوادث تروریستی اخیر عیادت کرد.

سرلشکر محمد پاکپور، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از مجروحان حوادث تروریستی اخیر عیادت کرد.

سرلشکر پاکپور طی سخنانی در این خصوص اظهار داشت: برخی از این مجروحان عزیز جراحات بسیار عمیقی داشتند و کادر پزشکی به‌صورت شبانه‌روزی فعال بوده و هستند.

به گزارش فارس، وی با بیان اینکه الحمدلله وضعیت مجروحان از وضع خطرناک عبور کرده است، افزود: خانواده‌های این عزیزان نیز رضایت کاملی از خدمات داشتند و روحیه این مجروحین عزیز نیز بالاست.

خبر ویژه

کابوس موشک‌های ایران دست از سر صهیونیست‌ها برنمی‌دارد

در حالی که رئیس‌جمهور سبک‌مغز آمریکا به تهدیدات نخ‌نمای خود علیه ایران ادامه می‌دهد اما به نظر می‌رسد آن که بیش از دیگران از تهدیدهای ترامپ نگران شده، رژیم صهیونیستی است.

ساکنان اراضی اشغالی که طعم ضربات ویرانگر ایران را در جریان جنگ ۱۲روزه چشیده‌اند همزمان با افزایش یاوه‌گویی‌های ترامپ علیه ایران، نسبت به حملات مجدد موشکی ایران وحشت‌زده شده‌اند.

تحلیلگران صهیونیست هشدار می‌دهند که ایران درس‌های مهمی از جنگ ۱۲روزه فراگرفته که در طرح‌ریزی برای جنگ بعدی به‌کار خواهد بست. آنها بر این باورند که تهران دیگر به شلیک محدود موشک‌ها بسنده نخواهد کرد، بلکه طوفان آتش هماهنگی از موشک‌های بالستیک، کروز و پهپادها را به سوی اهداف حیاتی رژیم صهیونیستی - از پایگاه‌های نظامی و مراکز فرماندهی تا نیروگاه‌های هسته‌ای دیمونا، بنادر و مراکز اقتصادی - آغاز خواهد کرد.

پایگاه خبری مشرق در همین زمینه به اظهارات برخی کارشناسان رژیم صهیونیستی پرداخته است. «آلون بن‌داوید»، کارشناس صهیونیست، در یادداشتی برای یکی از رسانه‌های عبری تأکید کرده است که ایران در حوزه قدرت نظامی متعارف با سرعت نگران‌کننده‌ای [تعبیر نویسنده از قدرت ایران] به تولید موشک‌های بالستیک بازگشته است. ایران امروز بیش از هزاران موشک بالستیک دارد که اسرائیل را تهدید می‌کند، همان‌طور که در آستانه جنگ گذشته داشت.

وی می‌نویسد: در طول جنگ، ایران ده‌ها لانچر را از دست داد اما با تلاش‌های گسترده خود، همچنان توانایی شلیک صدها موشک را مانند آنچه در طول جنگ تجربه کردیم، دارد. در جنگ اخیر، شاهد تغییر تاکتیک ایران در شلیک موشک‌های خود بودیم که موفق ظاهر شد. ظاهراً ایرانی‌ها درس‌های مهمی از جنگ گذشته گرفته‌اند و خود را به شکل قابل توجهی تقویت کرده‌اند. بنابراین، در کارزار بعدی، باید انتظار رگبارهای سنگین بر روی مراکز مختلف در اسرائیل را داشته باشیم.

او در ادامه افزود: رسانه‌های آمریکایی گزارش دادند که نتانیاهو به رئیس‌جمهور آمریکا هشدار داده است که قابلیت‌های دفاعی اسرائیل هنوز برای مقاومت در برابر کارزار دیگری علیه ایران بهبود نیافته است. [اما] این باعث نشد که ترامپ سیستم‌های دفاعی بیشتری به اینجا بفرستد و ترجیح می‌دهد آنها را به قطر و عربستان سعودی بفرستد.

این کارشناس صهیونیست خاطرنشان کرد: در حال حاضر هیچ باتری THAAD آمریکایی برای محافظت از اسرائیل وجود ندارد و هیچ کشتی ایجیس(Aegis) هم در اطراف اسرائیل وجود ندارد. (کشتی‌های مجهز به سامانه رزمی ایجیس ناوشکن‌ها و رزم‌ناوهای پیشرفته‌ای هستند که دفاع هوائی و موشکی جامع، از جمله قابلیت‌های رهگیری موشک‌های بالستیک و کروز را دارند.)

همچنین «الی بار آن»، متخصص و کارشناس ارشد و برجسته رژیم صهیونیستی در حوزه فناوری تسلیحاتی و موشکی، در رابطه با تهدیدات نظامی که متوجه این رژیم است، نوشت: به نظر من، در دور بعدی جنگ علیه ایران، جنگی که احتمال وقوع آن دیر یا زود بسیار زیاد است، گستره حمله ایران چندین برابر بیشتر خواهد بود، همان‌طور که تخمین خسارات و تلفات نیز بیشتر خواهد بود. تعداد موشک‌های مهاجم دو برابر و چند برابر خواهد شد و کیفیت موشک‌های تهاجمی ایران نیز بهبود خواهد یافت.

وی موشک‌هایی که ایران در جنگ احتمالی آینده استفاده خواهد کرد را این‌گونه توصیف می‌کند: همچنین موشک‌های جدید ایران در جنگ بعدی، از نظر اندازه کلاهک به‌طور قابل توجهی قدرتمندتر خواهند بود. این موشک‌ها، موشک‌های بسیار دقیق‌تری نسبت به موشک‌های قبلی که ایران به سمت ما شلیک کرد خواهد بود و بنابراین موشک‌های بیشتری به مناطق پرجمعیت برخورد خواهند کرد و اصابت‌های بیشتری به اهداف حساس‌تر وجود خواهد داشت. موشک‌های ایرانی همچنین در طول پرواز به سمت هدف، قابلیت مانور خواهند داشت و بنابراین رهگیری آنها دشوار خواهد بود.

لازم به ذکر است رسانه‌های صهیونیستی اخیرا خبری قابل توجه از گزارش ارتش این رژیم به کنست درباره قدرت آفندی ایران را منتشر کردند که نشان می‌دهد نگرانی از حملات موشکی در سرزمین‌های اشغالی به چه اندازه است. به گفته رسانه‌های عبری‌زبان از جمله یدیعوت آحارنوت، ماه گذشته، نماینده ارتش رژیم صهیونیستی با حضور در جلسه کمیته امور خارجی و امنیتی کنست (پارلمان رژیم صهیونیستی) عنوان کرد، منابع غربی اذعان کرده‌اند که در درگیری بعدی، ایران توانایی شلیک همزمان موشک با تعداد بالا به سمت اسرائیل را دارد. وی این میزان را بین ۵۰۰ تا هزار موشک تخمین زده است.

در این جلسه کنست که محرمانه بوده و فقط اطلاعات محدودی از آن منتشر شده است؛ نماینده ارتش رژیم صهیونیستی عنوان کرده است؛ ایران حدود شش ماه پس از جنگ ۱۲ روزه، تولید موشک‌های بالستیک را مانند قبل و حتی با سرعت بیشتر، آغاز کرده است.

براندازی با ارتش پوشالی

مداخله رژیم صهیونیستی در حوادث اخیر ایران از طریق سکوهای خدمات‌رسان خارجی آن‌قدر واضح و علنی بوده که سوژه رسانه‌های خارج از ایران نیز قرار گرفته است. در همین زمینه شبکه الجزیره با انتشار گزارشی تحقیقی نشان داد که تنها ۱۷۰ حساب کاربری در شبکه اجتماعی ایکس(توئیتر سابق) ۱۸ میلیون مخاطب در ایران را تحت تأثیر قرار داده‌اند.

بر اساس تحقیقات الجزیره کارزار گسترده‌ای در شبکه اجتماعی ایکس(توئیتر سابق) علیه ایران هدایت شده است؛ «شعارها و هشدارهایی که در این شبکه منتشر شد، نه از خیابان‌های تهران بلکه از اتاق‌های عملیات در تل‌آویو مدیریت شده‌اند.»

به گزارش این رسانه قطری، حساب‌های اسرائیلی و همکارانشان به برخی مردم در ایران فرمان می‌دادند و محتوایی تولید کردند که به‌عنوان صدای ملت ایران جلوه داده شد.

طبق این تحقیقات پست‌های مربوط به ایران ناگهان رشد ۴۹۰ درصدی پیدا کردند. چیزی حدود ۴۳۷۰ پست بازنشر شد، در حالی که تولیدکنندگان اصلی این پست‌ها بیش از ۱۷۰ حساب کاربری نبودند! با این حال محتوای تولیدشده توسط آنها به بیش از ۱۸ میلیون نفر رسید. آماری که شکاف آشکاری میان تعداد محدود تولیدکنندگان و گستره وسیع مخاطبان را نشان می‌دهد.

تحقیقات بیشتر نشان داد این کارزار دیجیتالی از شهرهای ایران برنخاسته، بلکه شبکه‌ای از حساب‌های کاربری خارجی آن را ایجاد کرده‌اند. به گزارش الجزیره «در رأس این شبکه، حساب‌های کاربری اسرائیلی و ادارات همکار با اسرائیل نقش مرکزی در تولید و هدایت این انبوه اطلاعات را داشتند.»

در همین زمینه چندی پیش روزنامه صهیونیستی «هاآرتص» با استناد به گزارش مؤسسه تحقیقاتی «سیتیزن لب» مستقر در کانادا فاش کرد یک کارزار نفوذ گسترده به زبان فارسی که تحت حمایت رژیم صهیونیستی قرار داشت، در مدت جنگ ۱۲ روزه با استفاده از محتوای هوش مصنوعی، جعل عمیق و دیگر ابزارها اقدام به انتشار اطلاعات نادرست، حمایت از احیای سلطنت پهلوی‌ها در ایران و ترغیب به آشوبگری در خلال دفاع ایران در برابر تجاوزگری رژیم صهیونیستی می‌کرد.

این رسانه صهیونیستی در گزارش خود نوشته بود: «در حالی که پهلوی اعلام می‌کند به دنبال هیچ سمتی نیست، طی سال‌های اخیر یک کارزار در شبکه‌های اجتماعی خواستار احیای سلطنت در ایران به پادشاهی او بوده است. به گفته برخی منابع مطلع، بخشی از این تلاش‌ها مبتنی بر شبکه‌ای از حساب‌های کاربردی جعلی با منشأ اسرائیلی نشأت می‌گیرند.

یک محقق شبکه‌ای مجازی که این شبکه را بررسی کرده است که هاآرتص پیشتر آن را افشا کرده بود، صدها کاربر با هویت جعلی در شبکه اجتماعی ایکس را شناسایی کرده است که از پهلوی حمایت می‌کنند، پیام‌های او را به اشتراک می‌گذارند و از هشتگ‌هایی مانند «شاهنشاه رضا پهلوی» استفاده می‌کنند.»

به نوشته هاآرتص، سیتیزن لب در گزارش خود نتیجه‌گیری کرد که هدف این کارزار در ایام جنگ ۱۲ روزه ایجاد آشوبی بود که می‌توانست به ایجاد بی‌ثباتی در حکومت منجر شود.

مرشایمر: آمریکا و اسرائیل در مقابل ایران دو بار شکست خوردند

راهبرد آمریکا و اسرائیل برای فشار حداکثری بر ایران و تغییر موازنه قدرت، نه‌تنها به اهداف اعلام‌شده دست نیافته، بلکه هزینه‌ها و مخاطرات راهبردی جدیدی را نیز برای خود آنها ایجاد کرده است.

جان مرشایمر نظریه‌پرداز آمریکایی و استاد روابط بین‌الملل دانشگاه شیکاگو، درباره ناکامی نقشه آمریکا و اسرائیل در جنگ ۱۲روزه و ایجاد آشوب در ایران نوشت: رسانه‌های جریان اصلی در غرب عموماً کوشیده‌اند تحولات اخیر در ایران را صرفاً به‌عنوان پدیده‌ای کاملاً داخلی بازنمایی کنند.

در این روایت، تأکید می‌شود که مردم ایران به‌صورت خودجوش و در واکنش به مشکلات اقتصادی، فساد و ضعف‌های مدیریتی دست به اعتراض زده‌اند. اعتراضات مسالمت‌آمیز توصیف می‌شود و برخوردهای صورت‌گرفته نیز به‌عنوان واکنش دولت معرفی می‌گردد.

این تحلیل، با شواهد متعدد همخوانی ندارد. البته تردیدی نیست که برخی معترضان با مطالبات و گلایه‌های واقعی حضور داشتند، اما این تنها بخشی از ماجراست. آنچه رخ داد، تلاش هماهنگ ایالات‌متحده و اسرائیل برای تضعیف دولت مرکزی و زمینه‌سازی برای تجزیه ایران بود. الگوی رفتاری که همان نقشه قدیمی است، چند مؤلفه اصلی دارد: نخست، ایالات‌متحده سال‌هاست از ابزار تحریم برای تحت فشار قرار دادن اقتصاد ایران استفاده می‌کند. هدف «فشار حداکثری» وارد آوردن فشار فزاینده به جامعه ایران و برانگیختن نارضایتی در خدمت براندازی بود.

دوم، تیم آمریکا و اسرائیل به تحریک و پشتیبانی از اعتراضات سازمان‌یافته روی آورد تا به چرخه‌ای از تنش دامن بزند که از کنترل خارج شود. شواهد متعددی حاکی از فعالیت عوامل موساد و سیا در ایران است. آنها با عناصر محلی تندرو و خرابکار همکاری می‌کردند تا با درگیری و خشونت، فضا را متشنج‌تر کنند. اسرائیل و آمریکا، هزاران ترمینال استارلینک را به ایران منتقل کرده بودند تا امکان ارتباط معترضان با شبکه خارجی حفظ شود.

سوم، بخش بزرگی از رسانه‌های غربی در هماهنگی با این رویکرد، روایت خاصی از تحولات ایران ارائه دادند که در آن، نقش مداخلات خارجی کتمان شد.

چهارم، ارتش آمریکا و احتمالاً اسرائیل در حالت آماده‌باش قرار داشت تا در صورت رسیدن تحولات به نقطه‌ای خاص، ضربه نهائی را وارد کرده و شرایطی از بی‌ثباتی گسترده ایجاد کنند که به تجزیه ایران بینجامد.

اما این راهبرد در نهایت با شکست مواجه شد. دولت ایران توانست در مدت‌زمانی نسبتاً کوتاه، شرایط را کنترل کرده و از گسترش اغتشاشات جلوگیری کند. یکی از عوامل کلیدی در این روند، محدودسازی شبکه استارلینک بود. عملاً برای واشنگتن و تل‌آویو روشن شد که امکان استفاده از نیروی نظامی وجود ندارد. تلاش برای تغییر رژیم ناکام ماند. ایالات‌متحده و اسرائیل این مرحله از تقابل را به ایران واگذار کردند، هرچند بعید است این واقعیت در رسانه‌های غربی یا اسرائیلی به‌صراحت بازتاب یابد.

این تحولات بی‌ارتباط با جنگ ۱۲روزه میان ایران نیست. آن درگیری در رسانه‌های غربی غالباً به‌عنوان پیروزی بزرگ اسرائیل و ایالات‌متحده توصیف شد، اما این تصویر با واقعیت‌های میدانی همخوانی ندارد. اسرائیل بیش از ایران مایل به پایان سریع جنگ بود، زیرا ذخایر موشک‌های دفاعی‌اش به‌سرعت در حال کاهش بود، در حالی که ایران روزبه‌روز کارآمدتر از ظرفیت گسترده موشکی خود برای هدف قرار دادن اسرائیل استفاده می‌کرد. چنین نتیجه‌ای به‌سختی می‌تواند به‌عنوان پیروزی اسرائیل تلقی شود. اسرائیل امروز نیز به همان اندازه‌ای که در زمان توقف جنگ در ۲۴ ژوئن ۲۰۲۵ آسیب‌پذیر بود، در برابر توان موشکی ایران قرار دارد.

گفت و شنود

این دیگه چی بود؟!

گفت: اعتصاب و اعتراض مردم به دیکتاتوری ترامپ و شرایط سخت اقتصادی، سراسر آمریکا را فرا گرفته است.

گفتم: باز هم توطئه ترامپ به طرف خود او کمانه کرده است!

گفت: مدیر بخش مدیریت اضطراری در مینیاپولیس می‌گوید «وضعیت کنونی مشابه وضعیت جنگی در یمن، هائیتی، سوریه و اوکراین شده است».

گفتم: در یکی از نمونه‌ها، یک مرد ۳۲ ساله را که متوجه ایست پلیس نشده بود، در وسط خیابان با شلیک ۹ گلوله کشته‌اند و با وجودی که فیلم این جنایت منتشر شده و نشان می‌دهد که دست خالی بوده است، ترامپ می‌گوید او مسلح بود و قصد شلیک داشت و ۲ خشاب اضافی هم داشت!

گفت: بیشترین شعار مردم آمریکا علیه ترامپ، «پادشاه نمی‌خواهیم» و «ترامپ برو گم شو» است و روی یک پلاکارد در مینیاپولیس نوشته شده بود «سرانجام ترامپ فرار از آمریکاست»!

گفتم: یارو از بس دزدی کرده بود، همه مردم شهر دنبال دستگیر کردنش بودند. برای فرار پوست گوسفند به تنش کرد و همراه گله قصد فرار داشت که گرگ به گله زد و او را خورد و بعد با تعجب گفت؛ این دیگه چه جور گوسفندی بود، مزه خر می‌داد!

نکته

این پاسخ معکوس را جدی بگیریم!

۱- روز جمعه (سوم بهمن‌ماه جاری) شورای حقوق بشر سازمان ملل، قطعنامه‌ای ضدایرانی با موضوع «وضعیت حقوق بشر در ایران» را با ۲۵ رای موافق، ۷ رای مخالف و ۱۴ رای ممتنع به تصویب رساند. تصویب این قطعنامه در حالی است که مقامات آمریکایی و رژیم صهیونیستی، بارها به حضور عوامل اجاره‌ای خود در اغتشاشات اخیر ایران اعتراف کرده‌اند و علاوه بر اعتراف صریح پادوهای بازداشت‌شده رژیم صهیونیستی، فیلم‌ها و تصاویر فراوانی نیز از جنایات وحشیانه و هولناک عوامل اجاره‌ای آمریکا و اسرائیل حکایت می‌کنند. قتل‌های فجیع نظیر سر بریدن، تیراندازی با سلاح‌های جنگی به سوی ماموران حافظ امنیت و مردم عادی، آتش‌زدن قرآن‌ها، مساجد، حسینیه‌ها، خانه‌های مردم، بیمارستان‌ها، اتوبوس‌ها، آمبولانس‌های حامل بیمار و ده‌ها نوع جنایت وحشیانه دیگر که تروریست‌های ماموریت‌گرفته از آمریکا و رژیم صهیونیستی مرتکب شده‌اند. این جنایت‌ها آشکارتر از آن است که قابلیت کمترین تردیدی را داشته باشد.

مقامات رژیم صهیونیستی و آمریکایی از جمله، ترامپ و نتانیاهو در مصاحبه‌ها و پیام‌های فراوان و پی‌درپی خود، با صراحت به حمایت همه‌جانبه مالی، سیاسی و تسلیحاتی از تروریست‌ها اعتراف کرده‌اند که نه فقط تمامی اسناد یاد شده برای همگان قابل دسترسی است بلکه مقامات مورد اشاره نیز هیچ‌یک از آنها را انکار نکرده‌اند، بلکه بر آن تصریح چندباره نیز داشته‌اند و اما با وجود تمامی این اسناد غیرقابل انکار، شورای حقوق بشر سازمان ملل، در قطعنامه جمعه شب خود، جنایات تروریست‌ها را به جمهوری اسلامی ایران نسبت داده و علیه ایران اسلامی قطعنامه صادر کرده است(!) چرا؟! بخوانید!

**۲- طی دو سال اخیر و درپی جنایات وحشیانه و هولناک رژیم صهیونیستی در غزه، موج حمایت از مردم مظلوم فلسطین و ابراز نفرت از رژیم صهیونیستی در کشورهای غربی به شکلی بی‌سابقه اوج گرفته و همه‌روزه بر دامنه آن افزوده می‌شود. از نیویورک و کالیفرنیا و لندن و پاریس و آتن و رم گرفته تا برلین و سیدنی و... تقریباً تمامی میدان‌های اصلی شهرها در چهار گوشه جهان، به اجتماع هزاران و گاه ده‌ها هزار نفر از معترضانی تبدیل شده